

تاریخ

- ۶ -

مونتسکیو در شاهدار خود سعی کرد «روح القوانین» را ایضاً نماید لیکن وی کشف نمود که این روح در هر جا بشرایط فزیکمی آن بسته و متکی است. خاک اقلیم، خصوصیت نژادی ملل مختلف از جمله شرایط اساسی قوانین و موسسات آنهاست. واضح است که این شرایط فزیکمی باید بروشهای فزیکمی مورد مطالعه قرار داده شوند، فضا و زمان تاریخی هر دو در یک کل بزرگتری واقعند. زمان تاریخی تنها یک قطعه خورد زمان کلیها نیست عمومی است. اگر آرزوی پیمایش این زمان را داریم و اگر بترتیب زمانی واقعات علاقمندیم، لازم است آلات و افزار فزیکمی داشته باشیم، در اثر واقعی مورخ، مخالفتی بین این دو نظریه مشاهده نمیکنیم. آنها بصورت مکملی بهمندبگر متحد گردیده اند آنها در تحلیل منطقی است که ما میترانیم حقیقتی را از حقیقت دیگر جدا کنیم. در تحقیق یک مسأله زمانی معضل و پیچیده مورخ بطریقه های مختلف اقدام میتواند کرد وی میتواند معیارهای مادی یا مصوری را استعمال کند. میتواند روشهای احصائیوی باروشهای ایدئالی تعبیر و تاویل را بکار برده مسأله زمانی خیلی معضل صاحبهای افلاطون بوسیله مشاهدات احصائیوی مربوط به سبک افلاطون تا اندازه زیادی حل شده است بوسیله معیارهای سبکی مستقل مختلف به تحقیق پیوست که یک دسته خاص صاحبهای افلاطون - سوفست، سیاستمدار، فلیبوس، تیمیوس، بدوره پیری افلاطون تعلق دارد. وقتی که ادیکس نسخه های خطی آثار «کانت» را تدوین میکرد، برای ترتیب زمانی آنها معیار بهتری جز تحلیل کیمیاوی رنگ قلم که همراه آن زیاد داشت،های مختلف تحریر بر یافته بود نتوانست یافت. اگر عرض استعمال

چیز های واقعی باشند» و گفت « اکثر مردم کشور ها و محیط های بیگانه
ای را تر جیح میدهند که در باره آنها چیزی نمیدانند و بذریعه آنها
مخزیه شان تربیه می شود. از طرف دیگر اشخاصی نیز پیدا می شوند که
کاملاً متمسک بدواقعیات اند و چون کاملاً فاقد روح شاعرانه اند در تقاضای
های خود خیلی دقیق و سختگیر اند مورخان بزرگ از هر دو حالت
انتہایی اجتناب و خود داری میکنند آنها طرفدار تجربه و آزمایش اند
شاهدان دقیق و محققان حقایق مخصوص اند ولی فاقد روح شاعرانه نیستند
حس تیز برای واقعیات تجربی و موهبت آزاد تخیل است که بروی آن
تر کیب یا تلخیص تاریخی حقیقی استوار است.»

موازنه و تعادل این دو قوه مخالف را نمیتوان در يك فارمول عمومی
افاده کرد تناسب از يك عصر به عصر دیگر و از نویسندہ به نویسندہ دیگر
متغیر است در تاریخ قدیم تصور و مفهوم و وظیفه مورخ از تصور و مفهوم آن
در تاریخ جدید تفاوت دارد خطاب به ها ئی را که
توسیدیدس در اثر تاریخی خود آورده است « اساس تجربی
ندارد و همانطوریکه « توسیدیدس » خطاب به های مذکور را ذکر
نموده، ایراد نگردیده بود. معذک آنها نه خیالی خالص اندونه آرایش
بدیعی محض آنها تاریخی اند، نه ازین ^{شکل عظیم} ^{و مطالب} ^{جبهه} ^{که} ^{واقعات} ^{حقیقی} را دوباره
ارائه میکنند بلکه ازین ^{جبهه} ^{که} ^{آنها} ^{در} ^{اثر} « توسیدیدس » وظیفه مهم
تاریخی را انجام میدهند آنها انسا نها و واقعات را بصورت بسیار مؤثر
و خلص توصیف و تشخیص مینمایند. سخنرانی « بریکلینز » بر سر جشنواره
بهترین و مؤثرترین بیان زندگی و ثقافت آتنی در قرن پنجم میلادی است
در تمام این خطابه ها و سخنرانی ها نشان و علامه محبزه سبک شخص
« توسیدیدس » بمشاهده میرسد. چنانچه گفته اند که « آنها واضحا دارای
سبک « توسیدیدس » اند همانطوریکه که کمتر های مختلف در درامهای
یورپدیز » در طرز بیان خود مشابهت دارند « معذک آنها آنها مثل

ط-رز فکر مخصوص شخص نیستند بلکه نماینده تمام عصر-خ-وداند.
باین مفهوم آنها آفاقی اند نه عندی. آنها دارای حقیقت ابدیالی اند
اگر دارای حقیقت تجربی نیستند. مادر زمان جدید با اندازه زیادی
مستعد قبول تقاضاهای حقیقت تجربی شده ایم ولی اگر اوقات معروض
باین خطریم که حقیقت ابدیالی اشیا و شخصیت هارا گم کنیم نیم
باز دست دهیم. توازن درست بین این دو عنصر وابسته به مهارت انفرادی
مؤرخ است و نمیتوان آنرا بشکل یک قانون عمومی در آورد درحس
تاریخی جدید، تناسب تغییر پذیرفته است لیکن عناصر واجزاء ثابت
مانده است هر مؤرخ در باره توزیع نیروی این دو عنصر معادله بی شخصی دارد
معهدا مطابقت باکمال مطلوب در تاریخ از مطابقت باکمال مطلوب
در ارت تفاوت دارد. آرت حیات ابدیالی انسانی را بطرز اکسیر
مانندی بیان میکنند. آرت حیات تجربی هارا به داینمیک صور و اشکال
خالص مبدل میگردد اند تاریخ با این روش عمل نمیکند و ماورای واقعیت
تجربی اشیا و واقعات نمیرود اما این واقعیت را در قالب جدیدی میریزد
و شکل نوینی به آن میدهد و آنرا دارای ابدیالی خاطر و تذکار
میسازد زندگی در پرتو تاریخ بچیث درامای بزرگ واقعی باقی میماند
و با تمام کشیدگیها و تصادمات عظمت و فیراگت امیدها و یاسها
و تظاهرات انرژیها و هیجانها خود این دراما واقعیت خود را
حفظ میکنند. لیکن این دراما نه تنها احساس میشود بلکه مستقیماً
ادراک نیز میشود. در حالیکه هنوز در عالم تجربی هیجانها و احتراصات
خود بسر میبریم این منظره و تماشا را در اینه تاریخ دیده ازینک حسن
باطنی صفائی و آرامی آگاه میشویم که عبارت از صافی و سکون
تفکر خالص است. جیکب بر کسپارت، در کتاب خود
موسوم به تفکرات راجع بتاریخ عالم مینویسد: روح باید خاطر مرور
خود را از بین اعصار گیتی به دارایی و تملکی مبدل سازد آنچه وقتی

نشاط و غم بود اکنون باید علم و معرفت گردد. لیکن مطالعه و تحقیق بانه تنها
 حقی و وظیفه بی است بلکه احتیاجی است مهم و در عالم آگاهی از قید
 و گرفتاری سیلاب نیازمندی عالم شمول حریت و آزادی ماست اگر ما تاریخ
 را بصورت درست و صحیح بنویسیم ما را باین اتموسفیر آزادی در بین تمام فشار
 ها و نیازمندیهای زندگی فزاینده سیاسی اجتماعی و اقتصادی عروج و ارتقا میدهد
 مقصودم در اینجا بحث بر مسایل فلسفه تاریخ نبود فلسفه تاریخ بمفهوم عنعنوی
 آن یک تیوری تفکری و تعبیری خود عملاً تاریخی است لازم و مناسب نیست تحلیل
 ثقافت انسان آغاز باین مسئله تفکری گردد زیرا وظیفه آن ساده تر و بسیط تر
 و هدفش تعیین مقام معرفت تاریخی است در تمدن بشری در این شکی نیست که
 ما بدون تاریخ حلقه مهمی را در ارتقای تمدن بشری مفقود خواهیم کرد آرت
 و تاریخ قویترین افزارهای مادر تحقیق و مطالعه فطرت و طبیعت بشر اند آیا از بودن
 این دو منبع بزرگ معلومات راجع با انسان چه خواهیم آموخت؟ ما محتاج معطیات
 حیات شخصی خود خواهیم بود که تنها برای ما یک نگاه عنندی تهیه میکنند تنها
 قطعات پراکنده آئینه شلخته بشریت میباشد اگر آرزوی تکمیل تصویری
 را داشته باشیم که به وسیله این معطیات مشاهده باطنی تجویز میگردد میتوانیم
 به روش های آفاقی تری مراجعه کنیم ما میتوانیم تجربه های روحیاتی را
 انجام داد یا حقایق احصائیوی را جمع آوری کرد لکن با وصف این تصویر
 انسان ها جامد و بیجان و بی رونق خواهد ماند ما تنها انسان متوسط یا بعبارۀ
 دیگر انسان روابط و مراودات اجتماعی و عملی روزمره را کشف خواهیم
 کرد در آثار بزرگ تاریخی و آرت در عقب انسان عادی قواره و سیمای انسان
 حقیقی انفرادی را مشاهده مینماییم برای یافتن این انسان باید به مورخان یا
 شعرای بزرگ یعنی نویسنده گان فاجعه مانند «پوریدیز» یا «سکسپیر» نویسنده گان
 کمیدی مانند «چروانت»، «مولیر»، «بالارنس» سترن یا به ناول نویسان جدید
 مانند «دیکنز» «بلزاک» «فلابرت» گوگل یا دستا یفسلی مراجعه کنیم شاعری تقلید
 محض طبیعت نیست تاریخ روایت حقایق و وقایع مرده نیست تاریخ و شاعری وسیله
 رهنمایی برای معرفت نفس و آلهای ضروری برای تعمیر کائنات انسان میباشد.